

دکتر گری میدورز، اول قرن‌تیان، سخنرانی ۲۶، اول قرن‌تیان ۱۱: پاسخ پولس به سوالات مربوط به عبادت عمومی. اول، ۲-۳۴، قرن‌تیان ۱۱: ۲-۱۶، مرد و زن در عبادت عمومی در حضور خدا بخش ۲

گری میدورز و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر گری میدورز در تدریس خود در مورد کتاب اول قرن‌تیان است. این سخنرانی ۲۶، اول قرن‌تیان ۱۱: پاسخ پولس به سوالات مربوط به عبادت عمومی است. اول قرن‌تیان ۱۱: ۲-۱۶، مرد و زن در عبادت، ۲-۳۴، عمومی در حضور خدا، بخش ۲.

خب، ما داریم با اول قرن‌تیان فصل ۱۱ ادامه می‌دهیم. ما در صفحه ۱۴۰ دفترچه یادداشت شماره ۱۲ هستیم و می‌خواهیم به فصل ۱۱، آیه ۵ در وسط صفحه نگاهی بیندازیم. وقتی متوقف شدیم، در مورد صحبت کردیم، موضوع مردی که با پوشاندن سر خود بی‌آبرو می‌شود، و اینکه آن پوشش به احتمال ۱۱.۴ زیاد مربوط به مذهب رومی است.

و اینکه انجام این کار توسط او، یعنی بالا کشیدن ردا روی سرش، التقاط‌گرایی محسوب می‌شود. او نباید این کار را بکند. و علاوه بر این، او نباید این کار را بکند زیرا انسان جلال مسیح است.

در تصویری که پولس استفاده می‌کند، او نباید پوشیده باشد. بنابراین، من از چند منظر به این موضوع نگاه می‌کنم. در آیه ۵: ۱۱، زنان چگونه در صورت عدم پوشش در کلیسا، سر خود را بی‌آبرو می‌کنند؟ در آیه آمده است که هر زنی که با سر برهنه دعا یا نبوت کند، سر خود را بی‌آبرو کرده است ۱۱:۵.

مثل این است که سرش را تراشیده باشند. بسیار خوب. حالا، اصطلاحات مربوط به پوشش متفاوت است و کمی بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

شاید با آنچه انتظار می‌رود متفاوت باشد. اگر به حجاب فکر می‌کنید، مطمئناً هیچ ارتباطی با صورت ندارد. مانند آنچه در فرهنگ‌های اسلامی وجود دارد، اما نوعی حجاب خواهد بود. و می‌توانید اینها را آزادانه ببینید.

اگر فقط در گوگل عبارت زنان رومی قرن اول را جستجو کنید، خواهید دید که آنها از توگا بسیار شبیه به مردان استفاده می‌کردند، با این تفاوت که آنها از آن برای هدف متفاوتی استفاده می‌کردند. یک مرد از آن هنگام انجام مراسم مذهبی یا به نوعی عبادت استفاده می‌کرد. او از آن برای نشان دادن متاهل بودن و در این زمینه، خود را در ملاء عام پوشیده نگه می‌داشت.

اما این یک نوع پوشش بسیار ساده بود که بخشی از خود لباس بود. و شما می‌توانید این نوع سوابق شمایل‌نگاری را به راحتی آنلاین مشاهده کنید. در واقع، کلمه یونانی برای حجاب، که به معنای سر است، نه صورت، کلمه یونانی برای حجاب اصلاً در اول قرن‌تیان ۱۱ استفاده نشده است.

هیچ جا پیدا نمی‌شود. بنابراین، اگر موقعیت ساده‌ای بود، به نظر می‌رسید که از آن کلمه استفاده می‌شد، اما استفاده نشده است. و این بخشی از پیچیدگی این متن از نظر زبانی است.

در آیه ۴: ۱۱، چیزی در پایین سر دارد. در آیات ۵: ۱۱ و ۱۳، در مورد سر برهنه صحبت می‌کند. اینجا ۷: ۱۱ نیست، باید ۷: ۱۱ باشد. از نظر پلوتارک، مراسمی برای پوشاندن سر مورد بحث قرار گرفته است.

او سندی به نام «نصیحت به تازه عروس‌ها» دارد. در آن سند درباره یک زن رومی صحبت می‌شود که در این مراسم ازدواج، سر خود را پوشانده، محجبه بوده تا نشان دهد که اکنون او یک زن متأهل است. او در منبع خود از برخی از همان اصطلاحاتی که ما در اینجا در اول قرن‌تین داریم استفاده می‌کند، به جای اینکه فقط از اسم معمولی استفاده کند، از اصطلاحات مرکب استفاده می‌کند.

برخی از دیدگاه‌ها در مورد زوال [سلطنت] چیزهای زیادی را روشن می‌کنند، زیرا این نوعی ترکیب غالب است که در این فصل استفاده می‌شود. و ما وقتی به تنوع دیدگاه‌ها در این مورد رسیدیم، در مورد آن صحبت خواهیم کرد. در عین حال، این اصطلاحات برای حجاب استفاده می‌شوند، که شاخص اجتماعی بود که از طریق آن وضعیت تأهل یک زن برای همه روشن می‌شد.

اُستر به نقل قولی از پلوتارک اشاره می‌کند که در آن به رسم رومی پوشیدن پوشش سر در مراسم مذهبی پرداخته شده است. و زنان نیز مانند مردان در این امر دخیل بوده‌اند. بار دیگر، تحقیقات عهد جدید اغلب منابع رومی و منابع اولیه را در بازسازی این متون نادیده می‌گیرد.

پلوتارک در توصیه‌ای به عروس و داماد، از پوشاندن سر عروس به عنوان نمادی از متأهل بودن صحبت می‌کند و از همان کلمه‌ای که اینجا استفاده شده، یعنی کاتا کالوپتای، به معنای پایین آمدن، استفاده می‌کند. بنابراین، پوشش سر بخش جدایی‌ناپذیری از نشان دادن یک زن متأهل در فرهنگ رومی بوده است. بنابراین این غیرمعمول نبود.

پولس اینطور نیست، و من فکر نمی‌کنم پولس آنقدر روی این موضوع تمرکز کند که او در این متن به تصویر مرد، زن و خدا اشاره می‌کند. با این حال، در فرهنگ معمول رومی، وقتی آنها در یک جلسه عمومی جمع می‌شدند، زنان فقط به این دلیل که همسران رومی بودند، حجاب خود را بالا می‌بردند. بنابراین این امری عادی بود.

کمی بعد در مورد پیشنهاد وینتر در مورد زنان رومی جدید صحبت خواهیم کرد که شاید به خاطر خودنمایی در رابطه با قدرت‌نمایی‌شان در محیط جدیدشان و قدرت جدیدی که در امپراتوری روم پیدا می‌کردند، این کار را نکرده‌اند. کمی بعد در مورد آن صحبت خواهیم کرد. اوستر به انتقاد خود از کار تاریخی ضعیف در مورد آیه ۴:۱۱ و اصطلاحات متنوع در عبارات ادامه می‌دهد.

او می‌گوید، با ذکر مثالی از کاتا با حالت مفعولی، اساس ادعای مورفی اوکانر را تضعیف می‌کند. پلوتارک هنگام استفاده می‌کند که به معنای kata kephales توصیف افرادی که سر خود را می‌پوشانند، از عبارت یونانی پایین سر است، به روشی مشابه با برداشت مرسوم از اول قرن‌تین ۴:۱۱ و نشان می‌دهد که پایین سر بودن می‌تواند به چیزی که روی سر قرار دارد اشاره داشته باشد. بنابراین، این فقط مربوط به تغییر زبان است و شما می‌توانید چیزها را به طور متفاوتی بیان کنید.

در مطالعات عهد جدید، وقتی با این نوع عبارات مواجه می‌شویم، باید به عقب برگردیم و منابع یونانی معاصر و قبل از آن، یعنی منابعی که کمی قبل از متن مقصد ما هستند را مطالعه کنیم تا بتوانیم ببینیم که نوع نامگذاری نورمن‌ها چگونه بوده است. بنابراین، این نامگذاری غیرمعمول نیست. این روش بدون استفاده از کلمه کلاه به این شکل استفاده می‌شده است.

عبارت یونانی لزوماً به معنای موی که از پشت گردن یا سر سرازیر می‌شود، نیست. ادبیات یونانی معاصر با به معنای «این مطابق با سر، پایین سر» می‌تواند، kata kephales عهد جدید نشان می‌دهد که عبارت

صرفاً به معنای روی سر باشد. بنابراین، تنوع در زبان، هیچ رازی وجود ندارد، زیرا این زبانی بود که در «جاهای دیگر برای همین معنی استفاده می‌شد، یعنی» چیزی روی سر داشتن

به نظر می‌رسد که نکته اصلی این است که پولس از زنی انتقاد می‌کند که به هر دلیلی تشریفات را زیر پا می‌گذارد. اصلاً چرا این موضوع مطرح شد؟ این موضوع می‌توانست به دو دلیل مطرح شود. اگر یک مرد، مرد نخبه از قرن‌س روم با سر پوشیده وارد یک مجمع مسیحی می‌شد، این می‌توانست التقاط با دین روم باشد

اگر زنی با سر پوشیده وارد می‌شد، احتمالاً این امری عادی می‌بود. اما اگر بدون پوشش وارد می‌شدند، این امر باعث ایجاد گفتگو می‌شد. و این یک احتمال در بازسازی تاریخی زنان رومی جدید است که کمی بعدتر با وینتر به آن اشاره خواهیم کرد.

به نوعی نوعی نقض پروتکل وجود داشت که پولس باید در جامعه به آن می‌پرداخت. من از توضیحاتی که متن را به زمان و مکان خاص خود مرتبط می‌کرد، تحت تأثیر قرار گرفتم. مقاله‌ی اوستر و گیل، مقاله‌ی مهمی که حتی در مورد آن صحبت نکرده‌ایم، و وینتر زمینه‌ای را فراهم می‌کنند تا ببینیم که عبادت عمومی توسط برخی از هنجارهای فرهنگی رومی، حتی هنجارهای جدید، مورد تهاجم قرار گرفته بود و برای جماعت مسیحی خوب نبود.

بنابراین، از نظر تاریخی و فرهنگی، به برخی از مسائلی که می‌توانند استدلالی ارائه دهند، خواهیم پرداخت. اما لزوماً لازم نیست که شما این را داشته باشید تا به همان نکته برسید. اینکه سر زن جلال مرد است، و پولس استدلال می‌کند که باید پوشانده شود زیرا مرد نباید محور اجتماع باشد، بلکه خدا باید محور هم مرد و هم زن باشد.

بنابراین، ما نوعی الگوی هنجاری از مردان و زنان در پیشگاه خدا داریم، و همچنین یک مسئله فرهنگی داریم که ممکن است برخی از این جنجال‌ها را برانگیخته باشد. اوستر استدلال قانع‌کننده‌ای برای توضیح این مردان ارائه داده است. در واقع، این همان چیزی است که مقاله او در اول قرن‌تیا ن ۱۱ در مورد آن بود.

و به گفته‌ی اوستر، مردان تقریباً در تمام تفاسیر نادیده گرفته می‌شوند، و این غفلت رایج، در کنار غفلت از ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی یک مستعمره رومی است. اگر پوشش را در رابطه با مردان به عنوان امری فرهنگی و برگرفته از فرهنگ توضیح دهیم، آیا نباید از همان الگو برای توضیح مسئله‌ی زنان استفاده کرد که آنها نیز مانند زنان متأهل در مجامع عمومی، باید از نظر فرهنگی به سمت پوشیده شدن سوق داده می‌شدند نه اینکه برهنه باشند؟ در اینجا چند مثال در مورد ماهیت پوشش زنان ارائه شده است.

این فهرست، مبنایی برای اعتبارسنجی چستی جلد کتاب را نشان می‌دهد. بسیاری از نوشته‌ها و تفسیرها بر این تمرکز دارند که جلد کتاب چیست؟ به نظر می‌رسد آنها بیشتر شیفته‌ی این موضوع می‌شوند تا اینکه به نماد جلد کتاب پردازند، که به نظر می‌رسد بیشتر چیزی است که پولس به دنبال آن است. یا او می‌توانست جلد کتاب را برای ما واضح‌تر کند.

او به این موضوع نپرداخت. او به دلیل دیگری این واقعیت را کتمان می‌کند. اما مردم واقعاً به موضوع جلد علاقه‌مند شدند.

در اینجا فهرستی از تفاسیر آمده است. برای مثال، بروس والتکه، یک محقق برجسته عهد عتیق، در واقع استدلال می‌کند که این یک نوع حجاب یا کلاه بوده و باید امروز هم صادق باشد. او آن را به عنوان یک امر هنجاری برای ادامه می‌داند.

منونایت‌ها هستند؛ زنان کلاه می‌پوشند، و آمیش‌ها هم همینطور. در برخی از گروه‌های اصلاح‌شده، از زنان انتظار می‌رود که پوشش سر داشته باشند. در کلیسای روسیه، زنان در مکان‌های عبادت پوشش سر دارند.

آنها این را خیلی تحت‌اللفظی می‌گیرند. بنابراین، آن دیدگاه خاص وجود دارد. و در انتهای یادداشت‌های من در این مورد، فهرست منابع وجود دارد.

این پوشش که نوعی حجاب یا کلاه بود، به دلایل فرهنگی مورد استفاده قرار می‌گرفت اما دیگر الزام‌آور Bibsac نیست. به عبارت دیگر، این یک متن توصیفی است، نه یک متن تجویزی، که استدلال ویلسون در است. دیدگاه سوم این است که پوشش، موی بلند زن است.

خیلی‌ها به این دلیل که راحت است، به این موضوع می‌پزند. موهای بلند یک زن پوشیده است، اما این احتمالاً دیدگاه بسیار بعیدی است. اما ویلیام مارتین مقاله‌ای در این مورد دارد.

چهارم، پوشش به نحوه‌ی قرارگیری مو روی سر مربوط می‌شود. و این دیدگاهی است که به طور خاص محبوب است، یا به این دلیل محبوب بود که به بسیاری از سوالات در مورد زنان پاسخ می‌داد. و بنابراین آنها گفتند که مدل مو مسئله است.

و من تعدادی اسم به شما داده‌ام. در مقاله تامپسون، فکر می‌کنم سینتیا تامپسون عکس‌های زیادی ارائه می‌دهد و مدل مو را نشان می‌دهد، و این به عنوان یک پوشش در نظر گرفته شد. این خیلی محبوب بوده است.

من فکر می‌کنم آن مرد، آن مرد توگا پوشیده بود، اما لباس‌هایی که زنان می‌پوشیدند نیز به راحتی به همین شکل ساخته می‌شدند. و مدل مو نیز به دلیل وجود فاحشه‌ها و همچنین پوشش آنها بحث‌برانگیز است. یک فاحشه خودش را نمی‌پوشاند.

او خودش را در معرض دید قرار می‌داد. و بنابراین، ما همزمان چندین اتفاق فرهنگی را در پیش داریم. پنجم پوشش به جنبه‌های فرهنگی خاصی از دین رومی مربوط می‌شود که هم برای مردان و هم برای زنان صدق می‌کند.

هم اوسترو و هم گیل این را توصیه می‌کنند. مردها آن را بالا نمی‌کشیدند، قرار هم نبود بالا بکشند. زن‌ها لباس‌هایشان را روی سرشان بالا می‌کشیدند.

کلی عکس رومی هست که دقیقاً ببینید چه شکلی بوده. مورد ششم کمی جدیدتر است و اثر بروس وینتر است. جلد، به خصوص نبودش، به عبارت دیگر، نداشتن انتظار فرهنگی از یک زن، یک زن متأهل که پوشیده باشد، به مشکل زنان رومی جدید مربوط می‌شود و بنابراین از نظر فرهنگی محدود است.

یکی از کتاب‌های وینتر «همسران رومی، بیوه‌های رومی، ظهور زنان جدید و جوامع پولس» است. او همچنین به بررسی آنچه از نظر فرهنگی در روم در جریان بود، پرداخت. زنان در روم از بسیاری جهات قدرت خود را به نمایش می‌گذاشتند.

برای مثال، در واقع زنانی در این بازی‌ها کشتی می‌گرفتند که قبلاً هرگز چیزی در مورد آن شنیده نشده بود، اما آنها با استفاده از یک تشبیه، عضلات خود را به کار می‌گرفتند تا بخشی از آن بازی‌ها باشند. در قانون روم مسائل زیادی در مورد زنان و مالکیت و غیره وجود داشت. مردان حقوقی داشتند، زنان نداشتند، اما زنان برای آن حقوق تلاش می‌کردند.

بنابراین، همزمان با اینکه پولس به این موضوع می‌پرداخت، نوعی جنبش فمینیستی در دنیای روم وجود داشت. اما احتمالاً هنوز زود است که همه این موارد را به این متن تعمیم دهیم. ممکن است به آن نیازی نداشته باشیم زیرا پولس در حال بررسی تصاویر کتاب مقدس بود، اما این می‌توانست بخشی از محرک فرهنگی برای مشکلی باشد که پولس به آن پرداخته بود.

و او سعی می‌کند به جای پرداختن به مشکل زنان رومی جدید، به این موضوع پردازد که خوب، چرا باید یا چرا نباید پوشش داشته باشید؟ به نظر می‌رسد که خیلی ملایم‌تر است. اگر به آن نگاه کنید، من همیشه تحت تأثیر فصل‌های ۱۱:۲ تا ۱۶ قرار گرفته‌ام؛ این فصل‌ها به اندازه جنجال‌های قبل از آن پرطمطراق نیستند و حتی در نیمه دوم اول قرن‌تین ۱۱، جایی که مشکلات شام خداوند را داریم، پولس واقعاً تندخو می‌شود.

به نظر می‌رسد که او این موضوع را با کمی شوخ‌طبعی بیشتر، اگر لطف کنید، در آیات ۱۱:۲ تا ۱۶ بررسی می‌کند. بنابراین، باعث می‌شود از خود بپرسید که چرا این موضوع مطرح شد و چقدر مشکل‌ساز بود. اما اطلاعاتی وجود دارد که می‌توان از آنها استفاده کرد، و من فکر می‌کنم وینتر بینش‌های کلیدی دارد که باید مورد توجه قرار گیرند. این زنان ممکن است زنان رومی جدید بوده باشند و خود را در ملاء عام نمی‌پوشاندند، که این نیز در مورد مسئله فاحشه‌ها و زنان متاهل یک مشکل بود.

ما از کلمه فاحشه نه به معنای غربی آن، بلکه به معنای قرن اول استفاده می‌کنیم، که شاید کمی متفاوت بوده باشد، به دلیل دسترسی‌هایی که در آنجا وجود داشته است. و ممکن است آنها به کلیساهای خانگی می‌رفتند، زیرا گردهمایی عمومی مسیحیان به خودی خود در فضای باز نبود. همانطور که در بخش پایانی این فصل می‌بینیم، در حیاط‌ها بود. در خانه‌ها بود.

آیا این زنان مسیحی سوگند خود را احساس می‌کردند و می‌خواستند کاری متفاوت انجام دهند، زیرا آزادی‌های تازه یافته خود را در فرهنگ رومی احساس می‌کردند و آنها را به فرهنگ کلیسا می‌آوردند؟ آیا این باعث ایجاد مشکل می‌شد؟ آیا چیزی شبیه به ضعیف و قوی بود؟ ضعیف خود را می‌پوشاند و قوی نه. خوب، این به این شکل مطرح نمی‌شود، اما می‌توانیم این سوال را بپرسیم. آیا این یک مسئله در فرهنگ بود که باعث ایجاد مشکل می‌شد؟ این بررسی مختصر از مسائلی که این متن مطرح می‌کند باید هر مفسری را هوشیار کند.

صدها، هزاران صفحه در مورد مسائلی که در چند دقیقه گذشته در سخنرانی قبلی و در این سخنرانی مطرح کردیم، نوشته شده است. همچنین باید نشان دهد که جزم‌اندیشی با تفسیر اول قرن‌تین ۱۱: ۲ تا ۱۶ مطابقت ندارد. ما باید به گزینه‌ها نگاه کنیم، باید به زمینه نگاه کنیم و باید کمی فروتنی داشته باشیم، حتی اگر بگوییم، فکر می‌کنم اینطور است.

همچنین این درسی در هرمنوتیک است که چگونه هر دیدگاه، با استفاده از همان متن، شواهدی ارائه می‌دهد که چگونه هر یک از کلمات و عبارات مشکل‌ساز را به روشی متفاوت از همکارانشان که دیدگاه متفاوتی دارند، توضیح می‌دهد. بنابراین، یک بار دیگر، این ممکن است بیشتر یک پنجره باشد تا اینکه دوست داشته باشیم بپذیریم که همه ما با یک دستور کار به متن می‌آییم و گاهی اوقات تمایل داریم ببینیم برای چه آمده‌ایم. ما باید در این مورد بسیار مراقب باشیم، ابتدا به متن نگاه کنیم و سپس در درجه دوم به آرایه تفاسیر پردازیم، اما آنها را حذف نکنیم زیرا آرایه تفاسیر زیاد است، به این معنی که ممکن است در غیر این صورت از دست داده باشیم.

اما بیا به ادامه دهیم، ۷ تا ۱۰، یک بخش حیاتی دیگر در جریان این متن. در واقع بخش بعدی پاراگراف است. ما مقداری از این را خواندیم.

آیه ۷ می‌گوید: «مرد نباید سر خود را بپوشاند، زیرا سر، تصویر و جلال خداست.» حالا این را بفهمید و. ضمناً، به انتهای آیه ۱۲ نگاه کنید، که پایان این پاراگراف است.

همچنین، مرد از زن زاده شده است، اما همه چیز از خدا می‌آید. ببینید، چیزی که خیلی نادیده گرفته می‌شود این است که این متن درباره ما نیست؛ بلکه درباره خداست و اینکه چگونه ما در عبادت عمومی با خدا ارتباط برقرار می‌کنیم. اما زن جلال مرد است، زیرا مرد از زن نیامده، بلکه زن از مرد آمده است.

البته این مربوط به سفر پیدایش است. آیه ۹، مرد برای زن آفریده نشد، بلکه زن برای مرد. سفر پیدایش، به همین دلیل است که زن باید به خاطر فرشتگان بر سر خود اختیار داشته باشد.

این آیه‌ی اصلی و کلیدی است. با این وجود، در خداوند، زن از مرد مستقل نیست و مرد نیز از زن مستقل نیست. به عبارت دیگر، در اینجا یک رابطه‌ی متقابل وجود دارد.

بین آنها برابری وجود دارد. زیرا همانطور که زن از مرد به وجود آمده است، مرد نیز از زن زاده شده است. اما همه چیز از خدا سرچشمه می‌گیرد. بنابراین، اگر فقط اجازه دهیم متن صحبت کند، این تصویر به این صورت است که چگونه مرد و زن، زن و مرد، در عبادت عمومی در مقابل خدا به تصویر کشیده می‌شوند.

بباید کمی بیشتر در مورد آن در آیات ۷ تا ۱۰ فکر کنیم. اول از همه، معنای جلال. در آیه ۷، می‌گوید، در اینجا، مرد نباید سر خود را بپوشاند زیرا او تصویر و جلال خداست، اما زن جلال مرد است.

این کلمه جلال بسیار مهم است، نه اینکه یک کلمه رمز یا کلمه مخفی باشد، بلکه به ما نشان می‌دهد که این تصویر درباره چیست. مرد، مسیح و خدا را به تصویر می‌کشد، در حالی که زن، مرد را در هویت مرد و زن در پیشگاه خدا به تصویر می‌کشد. جلال به رابطه مردان و زنان با الگوی خلقت خدا در پیدایش ۱:۲۷ مربوط می‌شود.

به همین دلیل، که به آیات ۷ تا ۹، آیه ۱۰، آیه کلیدی برمی‌گردد، به همین دلیل، به دلیل این ارتباط به عقب، نه به جلو، جلال زن و مرد در این است که در پرتو آفریده شدن به تصویر خدا زندگی کنند. حال این موضوعی است که ما به آن اشاره کردیم، اما باید آن را با تمام قوا اینجا برگردانیم که به تصویر خدا آفریده شد و در امتداد روایت پیدایش، خدا انسان را آفرید، انسان حیوانات را نامگذاری کرد و نامگذاری حیوانات، او می‌دانست که ناقص است. زن از مرد آفریده شد؛ این داستان دنده است، و پاسخ به مرد بودن. به روشی است که عبرانیان آن را بیان می‌کنند: نه پاسخ به او، بلکه کامل کردن او.

مرد و زن وجود دارند؛ این دو، کلیت خلقت انسان را تشکیل می‌دهند، مکمل یکدیگرند، از بسیاری جهات برابرند، از برخی جهات متفاوتند، و سپس ما باید در طول مسیر، همه این موارد را بررسی کنیم. اما واقعیت این است که آیا این متن در مورد همین است؟ و این اولین چیزی است که در مورد آن صحبت می‌شود. روایت خلقت در اول قرن‌تین بر مرد، خدا، زن و مرد تمرکز دارد.

همانطور که مورنا هوکر، که آثار زیبایی در مورد قرن‌تین دارد، بیان کرده است، مرد جلال خداست. بنابراین سر او باید برهنه باشد. او جلال خداست. این تصویرسازی، نمادگرایی است. زن جلال مرد است.

او از او آفریده شد تا به نیاز به تکمیل نرینگی پاسخ دهد. بنابراین، سرش باید پوشیده باشد زیرا یک مرد نباید در جماعت یا محیط عبادتی که در حال انجام است، جلال و شکوه کسب کند. و من فکر می‌کنم یک چیز مشروع وجود دارد که ممکن است بین قرن اول و امروز زیاد به آن نپردازیم، اما در قرن اول، این تصویرسازی

هم از نظر فرهنگی و هم از نظر مذهبی، بسیار مهم بود. زن جلال مرد است. بنابراین، سرش باید پوشیده باشد.

و نیازی نیست بگوییم که پوشیده است، بنابراین او مطیع بودن خود را در برابر مردان نشان می‌دهد. این چیزی نیست که متن در مورد آن باشد. این را نمی‌گوید.

او پوشیده است تا تسلیم خود را در برابر خدا نشان دهد. او به جای اینکه با سر برهنه‌اش به رخ مرد بکشد، پوشیده است و به این ترتیب، برای دعا و نبوت در جماعت کاملاً اعتبار می‌یابد. نکته همین است.

او توانمند است. به همین دلیل، دیا توتِه. شاید زبان یونانی نداشته باشید، اما من کمی بیشتر اینجا دارم چون در جریان فصل یازدهم به آن نیاز داریم.

که در جمله آمده، به معنای «به همین دلیل» است. این یک ساختار حرف اضافه «touta» اما دیا یعنی «باید»، و در ضمن، زبان الزام هم هست، «باید اختیار داشته»، «gune»، «استنتاجی است». زن «باشد».

سپس به همین دلیل، نقل قول می‌کنم که زن بر سر خود اختیار دارد. این یک ترجمه تحت‌اللفظی است. به زودی خواهید دید که خیلی از آن پیروی نمی‌شود.

که حرف اضافه‌ی «on» بیشتر مردم چیزی اضافه خواهند کرد، و ما این را خواهیم دید. آیا ترجمه‌ی است، به معنای «مکان روی سر» است یا «کنترل روی سر»؟ ببینید، یک مسئله‌ی تفسیری وجود «epi» دارد، و هرمنوتیک جنسیت‌محور وارد می‌شود و بسته به اینکه به کدام سمت می‌خواهند بروند، به سرعت روی یکی از این دو می‌پرد. مجموعه‌ای از ترجمه‌ها را برای تفسیر در نظر بگیرید.

کینگ جیمز، زنی که قدرت را در دست دارد. اتفاقاً او از این نظر تأمین شده است. همیشه این تأمین خواهد شد.

این به دلیل وجود سایر قسمت‌های بدن قابل درک است. فقط به این دلیل قابل درک است که متعلق به یک تفسیر تحت‌اللفظی رسمی، یک ترجمه نیست و نمادی از اقتدار را ESV متوجه می‌شود که ESV. اوست روی سر او دارد.

را اضافه کرده‌اند. این در یونانی نیست symbol این یک ترجمه کاربردی و پویا است. آنها کلمه

هم همین کار را می‌کند. آنها نمادی از اقتدار را روی سر او قرار می‌دهند. آنها آن را مانند NASB هیئت پادشاه جیمی پیر قرار می‌دهند.

زن باید نشانه‌ای، NIV آنها آن را با حروف ایتالیک نوشتند تا نشان دهند که به زبان یونانی نیست. سپس در از اقتدار داشته باشد. بنابراین، ما نمادها و نشانه‌هایی را به اینجا وارد کردیم تا سعی کنیم توضیح دهیم که چه اتفاقی دارد می‌افتد.

من آن را وارد، TNIV. یک ترجمه پویا یا کاربردی است. اینگونه است که آنها روی سر او کار می‌کنند NIV کردم.

را به خاطر نیاورید، که هرگز در ایالات متحده منتشر نشد. در انگلستان منتشر شد و آنها به TNIV شاید دلایل مختلفی هرگز به اینجا نرسیدند. اما این روشی است که آنها آن را به وجود آوردند تا بر سر خودش اقتدار داشته باشد. خب، آنها به خاطر فرشتگان کلمه دیگری به نام سر خود اضافه کردند.

این نتیجه‌ی یک دستور کار است که این را به عنوان به دست گرفتن کنترل سر زن تفسیر می‌کند. و سپس روی سر او را به عنوان نشانه‌ای از اقتدار تفسیر می‌کند زیرا فرشتگان در حال تماشای او NLT پوشش هستند. خب، اگر هرمنوتیک مبتنی بر دستور کار را فوراً به این موضوع وارد کنیم، شروع به پرسیدن سولاتی مانند مرجعیت منبع، منبع و مرجعیت، مرجعیت حکومت، منشأ منبع و این قبیل چیزها می‌کنیم.

حتی در بخش exousia، خب، شاید چیزی که باید پرسیم این باشد که اقتدار یا قدرت چیست. در واقع اولیه اول قرن‌تین به حقوق ترجمه شده است، جایی که شما مردان نخبه‌ای را دارید که اقتدار دارند؛ آنها حق انجام کاری را دارند. این موضوع اغلب در این بخش اخیر زیاد مطرح نمی‌شود. زن باید حتی بر سر داشته باشد.

بنابراین، به نظر می‌رسد که این متن بیشتر به این موضوع می‌پردازد که زن به خاطر شرکت در عبادت عمومی داشتن حق انجام این کار، امتیاز انجام آن و حتی اختیار انجام آن، از یک رویه خاص پیروی کند. این متن نیست که سعی در توضیح رابطه او با مرد داشته باشد. این روشی است که اغلب برای تبدیل آن به یک متن جنسیتی خوانده می‌شود.

این متن درباره پرستش و نقش زن در رابطه با آن پرستش است. ما خیلی سریع بار زیادی را وارد می‌کنیم و شروع به قرار دادن آن در کنار همه این اصطلاحات و موارد دیگر می‌کنیم. لازم نیست بگویید که این یک NLT و TNIV نماد یا نشانه‌ای از اقتدار است، اما چرا آنها این کلمات را اضافه می‌کنند اگر به چیزی مانند نمی‌روند که در آن تفسیر روشنی از او می‌بینیم که این کار را انجام می‌دهد تا بتواند اقتدار خود را به دست آورد، در حالی که همیشه حق دارد به درستی با پوشش در جماعت با خدا مرتبط باشد.

بنابراین، برای اینکه بتوانیم خودمان را کنترل کنیم، و وقتی هزاران صفحه در مورد این متن در بحث جنسیت منتشر شده است، خیلی سخت است که کنترل را به دست بگیریم و سولات اساسی‌تری پرسیم. مقاله‌ای هست که قبلاً به آن اشاره کردم از مورنا هوکر، که این کار را انجام می‌دهد، و من فکر می‌کنم که او در تلاش برای کنترل و حذف همه تحمیل‌ها و فقط پرسیدن اینکه در این متن چه می‌گذرد، کار خوبی انجام می‌دهد. حال، دیدگاه سنتی این است که یک نماد یا نشانه برای توضیح تصویری که زن تحت اقتدار است، یعنی تصویر مرد، اضافه کنیم.

او نمادی از اقتدار دارد، نمادی که متعلق به مرد است و قرار است از دستورات مرد پیروی کند. خب، این بحث دیگری است. این بحثی نیست که پولس اینجا در آن باشد.

پولس در بحثی درباره درست بودن ارتباط با خدا در پرستش صحبت می‌کند، و دلیل آن جلال، دوکسا است. او جلال انسان است. مسئله این نیست که چه کسی بر چه کسی حکومت می‌کند.

اما این موضوع، بحث جنسیتی مدرن را وارد این متن می‌کند و تصویرسازی کتاب پیدایش را منحرف می‌کند. پولس نه سعی دارد زن را به حاشیه براند و نه مرد را جلال دهد. هر کدام در رابطه‌ی تعیین‌شده‌ی خود با خدا جلال دارند.

مرد سر خود را در پرستش نمی‌پوشاند زیرا او جلال خداست. زن سر خود را می‌پوشاند زیرا در روایت بزرگتر کتاب مقدس، حتی به پیدایش، او جلال مرد است. هر کدام در این تصویر خلقت قدرت دارند.

حالا، باید بالای صفحه ۱۴۳ را هایلایت کنید، چون نکته کلیدی در تمام این ماجرا همین است. ما بیش از حد در متن غرق می‌شویم، قبل از اینکه از معنای اصلی متن خارج شویم. مورنا هوکر این نظر را بیان کرده است، نقل قول، به همان روشی که وظیفه زن بر اساس این واقعیت است که او مایه افتخار مرد است.

بنابراین، در مورد او، سر برهنه‌اش منعکس‌کننده‌ی جلال مرد، یعنی جلال او، خواهد بود، هم به این دلیل که او جلال مرد است و هم به این دلیل که مرد، سر استعاری اوست. به همین دلیل است که قضاوت در مورد او متفاوت است. سر او باید پوشیده باشد نه به این دلیل که در حضور مرد است، بلکه به این دلیل که در حضور خداست.

نکته اینجاست. این مربوط به خداست، نه مردان. اما او در حضور خدا و فرشتگانش است، و در حضور آنها، جلال انسان باید پنهان باشد.

این تمرکز نیست. خدا تمرکز است. اگر او با سر برهنه دعا می‌کرد یا نبوت می‌کرد، خدا را جلال نمی‌داد، بلکه جلال انسان را منعکس می‌کرد.

و در حضور خدا، این کار ناگزیر باید به شرم تبدیل شود. مثل این است که او سرش را بتراند. این شرم‌آور است.

شرافت و شرم در فرهنگ او به خدا شرافت نمی‌دهد. او با اجازه دادن به انسان برای جلال، خدا را شرم‌منده می‌کند.

و اگر او با سر تراشیده وارد می‌شد و آن کار را می‌کرد، اوضاع حتی بدتر هم می‌شد. استعاره‌ی زنده‌ای است نه؟ خب، این چیزی است که مدت زیادی طول کشید تا بفهمم. خواندم و خواندم و خواندم و خواندم و احساس کردم مثل یک چوب شور پیچ خورده‌ام.

با وجود تمام این ادبیات، همه از یک متن استفاده می‌کنند و چیزهای مختلفی می‌گویند، همه اینها مهم است. و اگر قرار بود در مورد اینکه برابری طلبی چیست، سلسله مراتب چیست سخنرانی کنیم، همه اینها مطرح می‌شد. ما در مورد اینها سخنرانی نمی‌کنیم.

ما داریم در مورد اول قرن‌تین باب ۱۱ سخنرانی می‌کنیم. و هوکر به عنوان یک محقق خوب، خودش را موظف کرده که این نکته را در نظر داشته باشد. شما باید آن پاراگراف را چند بار بخوانید.

هوکر خاطرنشان می‌کند که در سنت ادبیات یهودی معبد دوم، فرشتگان در زمان خلقت، آدم را پرستش می‌کردند. ادبیات یهودی معبد دوم عمدتاً بین عهد عتیق و عهد جدید نوشته شده است. برخی از آنها کمی بعدتر نوشته شده‌اند.

و این گنجینه عظیمی از ادبیات است که مسیحیان اولیه از نسل یهود به ارث برده‌اند. ما حتی برخی از آنها را در کتب عهد جدید به عنوان مدرک برای مواردی مانند مرگ اشعیا نقل کرده‌ایم. یهودا از تعدادی از مطالب ادبیات یهودی معبد دوم استفاده می‌کند.

جنیس و میبرس به عنوان نام جادوگران مصر. این در کتاب مقدس نیست. این در ادبیات یهودی معبد دوم است.

وقتی در کتاب مقدس وارد می‌شود، تأیید خدا را دریافت می‌کند. تأیید می‌شود. خارج از کتاب مقدس، ادبیات غیرالهام‌بخش است.

بنابراین، شاید در رساله اول قرن‌تین، پولس فکر می‌کند که اگر جلال انسان توسط زن بی‌حجاب نشان داده شود، این خطر وجود دارد که فرشتگان گمراه شده و به پرستش انسان پردازند. اینکه وسوسه فرشتگان آنها را آزرده خاطر نکند. این موضوع مربوط به خداست.

سر مرد، تصویری استعاری از خداست. سر زن، تصویری استعاری از مرد است. شما سر زن را می‌پوشانید تا فرشتگان، به خاطر فرشتگان، از دیدن مرد در قالب زن خجالت نکشند و بنابراین، خدا را نبینند.

این بیان خیلی ساده‌انگارانه‌ای است. اما به نظر من این نوع پویایی است که باید در این متن به آن فکر کنیم، نه اینکه به دنبال راهی برای اثبات دیدگاه جنسیتی دیگری باشیم. خب، پوشش چگونه می‌تواند یک مرجع باشد؟ باز هم، تحلیل هوکر از بحث جنسیتی مدرن عبور می‌کند و به پولس اجازه صحبت می‌دهد.

باشد. این کلمه doxa او می‌گوید، نقل قول، یک بار دیگر پاسخ ممکن است در استفاده پولس از کلمه جلال در 11:7 است. از آنجایی که کلمات جلال و پرستش تا حدودی مترادف هستند، جلال خدا بودن به خودی خود به معنای پرستش اوست. ببخشید، من از بحث خارج شدم.

از آنجایی که کلمات جلال و پرستش تا حدودی مترادف هستند، جلال خدا بودن به خودی خود به معنای پرستش اوست. جلال و پرستش در یک دسته قرار می‌گیرند. با این حال، به گفته پولس، این مرد است که جلال خدا محسوب می‌شود و نه زن، و بنابراین، طبیعتاً نقش فعالی در پرستش ایفا خواهد کرد.

اگر زنی نیز، برخلاف رسم یهود، در دعا و نبوت شرکت می‌کند، به عبارت دیگر، اکنون حق انجام این کار را دارد، به این دلیل است که قدرت جدیدی به او داده شده است. با این حال، اکنون زنان نیز در دعا با خدا صحبت می‌کنند و کلام او را در نبوت اعلام می‌کنند. برای انجام این کار، او به اقتدار و قدرت خدا نیاز دارد.

پوشش سر، که نمادی از محو جلال مرد در حضور خداست، همچنین به عنوان نشانه‌ای از اقتدار یا حقی که به زن داده شده است، عمل می‌کند. با پنهان شدن جلال مرد در پوشش خود، او نیز می‌تواند جلال خدا را در یک محیط عبادت منعکس کند. توجه را به مرد جلب نکنید. توجه را به خدا جلب کنید.

خب، همه اینها استعاره است؛ همه نمادگرایی است، بنابراین کمی طول می‌کشد تا بتوانید آن را درک کنید. همه استعاره‌ها باید تفسیر شوند، و خود تفسیرگر نیستند. و بنابراین، در این استعاره‌های مرد پوشیده، زن پوشیده، موضوع بر سر سلسله مراتب جنسیتی نیست؛ بلکه بر سر نحوه ایستادن آنها در برابر خدا در عبادت است.

و وقتی در مقابل خدا برای پرستش می‌ایستید، انسانی را که محصول خلقت است، مخدوش و مطیع می‌کنید و نقش خدا را که انسان است، تاج خلقت در تصویرسازی پیدایش، بالا می‌برید. این همان چیزی است که پولس اینجا به دنبال آن است. حال، این به نوعی نقض می‌شد.

من پایان نقل قول را با حروف پررنگ تأکید می‌کنم، زیرا حجاب به هیچ وجه نمادی از اطاعت زن از مرد نیست. بنابراین، پوشش سر او همان چیزی است که پولس آن را اقتدار می‌نامد. این به او اقتدار می‌دهد. در دعا و نبوت، او، مانند مرد، تحت اقتدار خداست.

بنابراین این نمادگرایی است که می‌بینید. سعی ندارد همه جنسیت‌ها را بررسی کند. گارلند این را گفت، فی این را گفت، اما وقتی وارد توضیحاتشان می‌شوند، تقریباً به طور پیش‌فرض درباره سلسله مراتب، مکمل‌گرایی و برابری طلبی صحبت می‌کنند.

مارتا هوکر در مقاله‌اش از این مطالب عبور می‌کند، که اتفاقاً، خوب، فکر می‌کنم این را نمی‌گویم چون مطمئن نیستم که ارتباطش را درست متوجه شده باشم، اما او مطالب زیادی در مورد اول قرن‌تین نوشته است، از جمله یک کتاب بزرگ در مورد آن. بسیار خوب، پس تیستلتون هم وارد می‌شود و تحلیل هوکر در مورد این متن را به طور کامل در کتابش، صفحات ۸۳۵ تا ۸۴۱، تأیید می‌کند. بنابراین من به اندازه کافی آن را تکرار کرده‌ام، اما تکرار لازم است.

خیلی طول کشید تا به این موضوع پی ببرم، به جای اینکه سعی کنم تمام دیدگاه‌های مربوط به جنسیت را بفهمم. بیابید با متن شروع کنیم. متن درباره پرستش خدا توسط مردان و زنان است و این چیزی است که مهم است. اینکه شما خودتان را در رابطه با روایت کتاب مقدس برای خدا چگونه تصور می‌کنید، مهم است. بسیاری از مسائل دیگر در اولویت چیزهای دیگر، در زمان‌های دیگر، و نه الان، قرار دارند.

حالا، مردم دوباره به این متن برمی‌گردند، این برای همیشه خواهد بود، اما ما باید در نحوه بازگشت به آن بسیار مراقب باشیم. مطمئن شویم که ابتدا متن را داریم. وینتر و چند نفر دیگر این کار را کرده‌اند، اما وینتر نکته‌ی جالبی را مطرح می‌کند.

او گفت که در تعدادی از نسخه‌های خطی، گونه‌های مختلفی از اصطلاح «مرجعیت» در این متن وجود دارد. ولگاته، قبلی و انواع مختلفی از پدران اولیه کلیسا، همه اینها بخشی از منابع ثانویه هستند، برخی به زبان یونانی، برخی به زبان قبلی. همچنین، بطلمیوس، ایرنائوس، هیپولیتوس، اورینگن، کریسوستوم، آگوستین، بید.

به معنای مرجع، جایگزین می‌کنند و، exousia کلمه اصلی برای کلاه نقابدار، را با کلمه veil آنها کلمه در قرن‌تین را exousia قرائت متفاوتی از آن ارائه می‌دهند. حال، قرائت‌های متفاوت آنها نباید قرائت غصب کند زیرا بهترین نسخه‌های خطی، بیشتر نسخه‌های خطی، آن را دارند، اما این تاریخچه تفسیر را، نشان می‌دهد، تاریخچه تفسیری که چیزی روی سر زن وجود داشته که در آن محیط نشان داده شده است جلال انسان را پوشانده است تا جلال خدا بتواند در محیط عبادت غالب شود. بسیار خوب، در مورد فرشتگان چطور؟ در اینجا نیز، پیشنهادات متعددی در این مورد وجود داشته است.

برخی درباره فرشتگان شیطانی صحبت کرده‌اند که می‌خواهند چیزهایی مانند نظم خلقت را به هم بریزند. اما اکثر آنها، و من هم همین نظر را دارم، این را به عنوان گونه‌ای از فرشتگان به عنوان بخشی از ناظران و به نوعی، پلیس خلقت می‌دانند. در کتاب ایوب متنی وجود دارد؛ در عهد جدید متنی وجود دارد که درباره حضور فرشتگان در رابطه با خلقت به عنوان ناظران خدا صحبت می‌کند.

و بنابراین، این امر به بهترین وجه از طریق فرشتگان به عنوان مراقبان الگوی آفریده شده و همچنین در حوزه عبادت قابل درک است. جلال انسان باید پنهان باشد و زن باید به خاطر فرشتگان، پوششی بر سر خود بپوشد، به این معنی که فرشتگان آزرده خاطر نمی‌شوند زیرا می‌دانند چه کسی قرار است در عبادت مورد تجلیل قرار گیرد و آن خداست. حتی در کتاب مکاشفه تصاویری وجود دارد که در آن فرشتگان بال‌های خود را به نشانه احترام به خدا، بالای سر خود جمع می‌کنند، به طوری که فقط خدا در جلو قرار دارد و نه فرشتگان.

بنابراین، فرشتگان صرفاً بخشی از مجموعه روایت هستند که قرار نیست از اعمال زن رنجیده شوند. رابطه بین مردان و زنان در آیات ۱۱:۱۱ و ۱۲ ایجاد شده است. با این وجود، در آیه ۱۱ از سوره بقره، زن مستقل از مرد نیست و مرد نیز مستقل از زن نیست.

اگر ازدواج کرده‌اید، این را درک می‌کنید. زیرا همانطور که زن از مرد به وجود آمده است، مرد نیز از زن زاده شده است. اما همه چیز از خدا سرچشمه می‌گیرد.

این فقط بیانی از رابطه‌ی متقابل زن و مرد است. نمی‌توان آن را صرفاً به عنوان یک بیانیه‌ی عقیدتی برابری خواهانه تلقی کرد، اما مطمئناً بیانی است مبنی بر اینکه زن و مرد در عبادت در پیشگاه خدا برابرند. و این برابری در سبک عبادت قرن اول با برهنه بودن مردان و پوشیده بودن زنان تأیید می‌شود.

شاید بپرسیم، ساعت ۱۱:۱۵ است، من دارم از خودم سبقت می‌گیرم. او، بسیار خب. صفحه ۱۴۴

تا ۱۵. آیه ۱۳. خودتان قضاوت کنید: آیا شایسته است که زنان با سرهای نپوشیده به درگاه ۱۳:۱۵. خدا دعا کنند؟ پاسخ شما به این سوال اکنون باید این باشد که نه، شایسته نیست زیرا سر زن نماد مرد است. و این در عبادت واقعی اختلال ایجاد می‌کند، بنابراین او باید پوشیده باشد.

پاسخ شما به این آیه نباید این باشد که خب، اگر او برهنه است، پس از شوهرش اطاعت نمی‌کند. این کار باعث می‌شود اطلاعات اضافی به این متن اضافه شود. بحث این نیست.

این مربوط به او به خداست. آیا طبیعت چیزها به شما نمی‌آموزد که اگر مردی موی بلند داشته باشد، مایه ننگ اوست؟ و این یک نکته بسیار فرهنگی دارد. ناصری‌ها موهای بلند را به عنوان یک نذر بلند می‌کردند.

ما می‌دانیم که برخی از عهد عتیق موهای بلندی داشته‌اند. آبشالوم موهایش را به درختی گیر داد. اما بگذارید به شما پیشنهاد کنم، تصاویر قرون وسطایی از عیسی با موهای بلند را دور بیندازید.

او مانند هر یهودی خوب آن زمان موهای ژولیده و ژولیده ای داشت. آنها معمولاً موهای بلند نداشتند. زیرا همانطور که زن از مرد به وجود آمده است، مرد نیز از زن متولد شده است، اما همه چیز از خدا سرچشمه می‌گیرد.

ببخشید، اجازه دهید به آیه ۱۵ بروم. اما اینکه اگر زنی موی بلند دارد، این جلال اوست زیرا موی بلند به او داده شده تا او را بپوشاند. این چیزی است که کمی بعد در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

اگر کسی می‌خواهد در این مورد بحث کند، ما هیچ روش دیگری نداریم: آیه ۱۵، استدلالی از طریق قیاس یا هویت. پولس با قیاس استدلال می‌کرد که از آنجایی که به زن طبیعتاً موی بلند به عنوان پوشش داده شده است، نه به جای پوشش، این خود به نیاز او به پوشیده بودن هنگام دعا و نبوت اشاره دارد.

ببینید، اگر این یک استدلال مبتنی بر هویت بود، می‌گفت که مو پوشش است. خیلی از مردم این نظر را به عنوان یک دیدگاه قبول دارند. مو پوشش است چون راحت تر است.

در آمریکای مدرن، در بیشتر اجتماعات، زنان کلاه نمی‌پوشند. و بنابراین این را با گفتن اینکه، خب، موهایش پوشش اوست، توجیه می‌کنند. خب، اگر زنان مدرن زیادی را دیده باشید، چیز زیادی برای پوشش وجود ندارد.

بعضی از آنها از مردان کوتاه‌ترند، و بعضی سرشان را می‌تراشند، و انواع و اقسام کارها. از این متن در این مورد استفاده نکنید. این یک عبارت قیاسی است که می‌گوید مردان ذاتاً موهای بلندی ندارند.

زنان معمولاً موهای بلندی دارند و مردان پوشیده نیستند. زنان پوشیده هستند. طبیعت به ما می‌گوید که با یک استدلال قیاسی، زنان باید پوشش داشته باشند.

همین را می‌گوید. نه بیشتر، نه کمتر. بعد به چیزی می‌رسیم که برای من، در ظاهر، آیه‌ای بسیار نگران‌کننده است.

و اگرچه در تمام اول قرن‌تین ۱۱ چالش‌های واقعی برای تسلط بر مطالب وجود دارد، این مورد بخش کوچکی از آن چالش نیست. در ۱۱:۱۶، اگر نسخه کینگ جیمز، استانداردها آمریکایی یا نسخه استاندارد جدید اصلاح‌شده را بخوانید، می‌گوید که ما چنین رسمی نداریم. بگذارید آن را از... بخوانم، آیه را از این نسخه بخوانید، NRSV، خاص.

اول قرن‌تین ۱۱، آیه ۱۶. من باید عینکم را بالا ببرم تا بتوانم ببینم. اما اگر کسی مایل به بحث و جدل است، این نوعی نتیجه‌گیری در مورد آنچه پولس گفته است، می‌باشد.

ما چنین رسمی نداریم، و کلیساهای خدا هم ندارند. چنین رسمی وجود ندارد. به آیه ۱۵ از ترجمه جدید سال ۲۰۱۱ گوش دهید (NIV) انجیل.

اگر کسی می‌خواهد در این مورد بحث و جدل کند، ما و کلیساهای خدا رسم دیگری نداریم. چنین رسم ۱۶. و رسومی، هیچ رسم دیگری نداریم.

این سرتان را از وسط دو نیم می‌کند. یادم می‌آید که به عنوان یک خواننده ساده‌لوح، وقتی چنین رسمی را نمی‌خواندم، می‌گفتم، پسر، او کلی چرخش‌های عجیب و غریب را تجربه کرده، فقط برای اینکه بگویم در نهایت، هیچ فرقی نمی‌کند. و بعد خواندم، هیچ رسم دیگری وجود ندارد، که دلالت بر این داشته باشد که باید این کار را به این روش انجام داد، چون کلیساها این کار را به این روش انجام می‌دهند.

این چیزی است که برخی آن را قانون شرع می‌نامند. این انتظار سنتی است. خوب، در ظاهر، در صفحه ۱۴۴. در وسط، این تغییر ترجمه مستلزم تفاوت در معنا است.

other یا such، ترجمه شده واضح است، اما تمرکز روی توصیف‌کننده custom اصطلاحی که به صورت others استفاده می‌کند. در آن محیط گزینه‌ی such custom است. فرهنگ لغت یونانی شما از اصطلاح را پیدا نخواهید کرد، اما این نباید پایان کار باشد.

را داریم، به معنای یک سنت، یک parodiosis عرف، یک عمل آگاهانه‌ی جمعی است. و ما در ابتدا کلمه‌ی را داریم custom سنت معتبر. در انتها کلمه‌ی

از تقلید استفاده کرد؟ من می‌بینم که اینجا اتفاقی افتاده است. به آن خواهیم پرداخت. دو دیدگاه در مورد اینکه چه ارجاعات سفارشی‌ای وجود دارد.

آیا این همان رسمی است که پولس از آن انتقاد می‌کرد؟ اینکه چنین رسمی وجود ندارد. به عبارت دیگر، یک زن در مراسم عبادت عمومی کلاه خود را از سر برمی‌دارد. چنین رسمی وجود ندارد.

این کار را نکن. یا اینکه در راستای حمایت از سنت‌هاست؟ هیچ رسم دیگری وجود ندارد. من آن را برعکس انجام دادم.

نداشتن چنین تمرینی به این معنی است که لازم نیست نگران آن باشید. نداشتن تمرین دیگر به این معنی است که باید این کار را انجام دهید، به هیچ روش دیگری. این دو انتخاب، دو تصویر هستند.

جاج، که نویسنده‌ی یک مقاله است، ظاهراً استدلال می‌کند که توصیف پولس از عبادت ممکن است شامل برخی از قراردادهای فرهنگی باشد که در خدمت سنت بوده‌اند، که همان جنبه‌ی قانونی آن است که تثبیت شده است. به عبارت دیگر، ماهیت پوشش و نوع رنگ، کلاه، مدل مو و غیره. ممکن است برخی از قراردادها در آنجا وجود داشته باشد.

می‌توان استدلال کرد که ما مجبور نیستیم این کار را در فرهنگ مدرن انجام دهیم، زیرا این کار مانند فرهنگ‌های چندخدایی باستانی از آب در نمی‌آید. اگر در روسیه بودید، خانم‌ها، کلاه می‌پوشیدید، زیرا این کاری است که آنها انجام می‌دهند. این کاری است که همه کلیساهای آنها انجام می‌دهند.

آنها حتی با ورود دنیای مدرن به قلمرو خود، با این موضوع مشکلاتی داشته‌اند. من برادر همسر را دارم که در روسیه مبلغ مذهبی بوده است. بنابراین، به نظر می‌رسد جاج استدلال می‌کند که تمایزی بین عرف و سنت وجود دارد، به عنوان امکانی برای این متن که به عرف اشاره کند اما به سنت‌ها اشاره نکند.

پولس خیلی باهوش است که در پایان متن، حرف خودش را نقض کند. جو فراییدی تفسیرها، که فیتزمایر است، این را می‌گوید. ترجمه او از این متن این است، اگر کسی تمایل به بحث در این مورد دارد، ما چنین رسمی نداریم، و کلیساهای خدا هم ندارند.

و سپس فیتزمایر می‌گوید، پولس می‌دانست که استدلال‌های پیچیده‌اش در مورد این مشکل ممکن است برای همه قانع‌کننده نباشد. بنابراین، در واقع، او به نظم یا عرف کلیسای مسیحی متوسل می‌شود، چیزی که اکنون قانون شرع نامیده می‌شود، و شوستر، شوستر، فیورنزا به درستی آن را یک توسل معتبر می‌نامد. ارتباطات فیتزمایر با کاتولیک رومی در اینجا می‌درخشد.

او به نوعی آن را از طریق قیاس متن و سنت توصیف می‌کند، که معکوس کلمه سنت خواهد بود. اما این قیاس ممکن است آموزنده باشد. به هر حال، پولس یک رسول بود و باید سنت‌های او را جدی گرفت.

بنابراین، می‌توانید ببینید که چگونه آیه ۱۶ ما را درست در انتهای آن به درون یک ماشین لباسشویی می‌اندازد. سایر تفاسیر اشاره می‌کنند که ظاهراً امتیازدهی پولس به موضوع ماهیت بحث‌برانگیز زمینه تاریخی قرن‌تین مربوط می‌شود. او می‌گوید ما هیچ رسم دیگری نداریم که اساساً به هر یک از قرن‌تینی که می‌خواهند از حقوق استفاده کنند، که می‌خواهند از آن مسئله‌ای بسازند، بگویند که نمی‌توانند این کار را انجام دهند. زیرا مجاز نیست.

کلیساهای دیگر از این خط پیروی می‌کنند، و شما هم باید از این خط پیروی کنید. این دیگر هیچ راه دیگری نیست. بنابراین، این قابل تفسیر است، و هیچ راه دیگری به اندازه‌ی هیچ رسم دیگری قابل تفسیر نیست.

اما از نظر اکثر تفاسیر و توضیحات، هیچ کس دیگری برنده نیست. در حالی که پولس در مورد مضمون خلقت کوتاه نمی‌آید، ممکن است پذیرای پذیرش انواع مختلفی از نحوه رعایت این مضمون در عبادت بوده باشد؛ این همان عرف و قراردادها خواهد بود. به عبارت دیگر، بحث ظاهری بر سر استفاده از پوشش

نمی‌تواند واقعیت روایت متا و این واقعیت را که همه کلیساهای دیگر با این آموزه همسو هستند، تحت الشعاع قرار دهد.

همین امر به تنهایی باید باعث شود که آنها ارزیابی کنند و در اعمال خود تجدید نظر کنند. بنابراین، برخی از موارد عجیب و غریب در اینجا وجود دارد، و حل یا پرداختن به آخرین مورد در آیه ۱۶ آسان نیست، اما در عین حال، حداقل سناریوهایی وجود دارد که می‌توانید در نظر بگیرید. در تفسیر، ما همیشه به دیدگاه مورد نظر نمی‌رسیم، اما گزینه‌هایی را مطرح می‌کنیم که در مورد آنها فکر می‌کنیم تا زمانی که نور بیشتری به دست آوریم تا شاید ما را به یک جهت یا جهت دیگر سوق دهد.

در صفحه بعد، ۱۴۵، شاید مهمترین نکته، مقایسه سنت ارائه شده در ۱۱:۲ با رسم ذکر شده در ۱۱:۱۶ باشد. چگونه آنچه را که به نظر می‌رسد یک تغییر آشکار در زبان است، یعنی زبان تقلیدی، توضیح می‌دهید؟ لحن استدلال در ۱۱:۲-۱۶ به طور قابل توجهی با ۱۷-۳۴، که در مورد شام خداوند است، متفاوت است. او در ۱۱:۲-۱۶ به طور کلی ملایم، قاطع اما ملایم است، اما وقتی به ۱۷:۱۱-۳۴ می‌رسد و با بدعت سروکار دارد، به اصطلاح، مرد، درست می‌گوید. ۱۱:۲-۱۶ از ستایش به بحث و سپس به آداب معاشرت جریان می‌یابد.

آیات ۱۷ تا ۳۴ آیات ۱۱ تا ۱۶ شامل هیچ ستایشی نیست، اما به صراحت اعمال خاصی را دستور می‌دهد. بنابراین، تفاوتی در حس و حال بین پاراگرافی که در آیات ۲ تا ۱۶ بررسی کردیم و پاراگراف ۱۷ و پاراگراف‌های بعدی وجود دارد. بنابراین دلیلی وجود دارد که پولس با احتیاط عمل می‌کرد، اما همچنان مضمون خلقت را ارائه می‌داد، اینکه چگونه باید با آن ارتباط برقرار کنند، و با این حال، ظاهراً متغیرهایی در آن عرف وجود داشت، اما جوامع کلیسای قرن اول آنها را پذیرفته بودند و باید ادامه دهند، و این می‌تواند چیزی به سادگی یک زن متأهل باشد که در یک کلیسای خانگی محجبه باشد، نه اینکه انگار در خانه خودش بوده است، و این پی‌حجابی است.

شاید آنها با زیر پا گذاشتن رسوم رومی، به رومی‌ها توهین می‌کردند. بنابراین، راه‌های زیادی برای فکر کردن به این موضوع وجود دارد، و ما فقط باید دست از این کار برداریم و آن را انجام دهیم. من یک معما دارم که قرار نیست به آن پاسخ دهم، اما یک معمای فکری است.

اگر پولس امروز این بخش را می‌نوشت، چگونه آن را چارچوب‌بندی می‌کرد؟ اگر در مورد آن فکر کنید، چگونه آن را چارچوب‌بندی می‌کرد؟ چه چیزی تجویزی خواهد بود؟ چه چیزی توصیفی خواهد بود؟ الگوی ایجاد شده چه خواهد بود؟ چه چیزی رسم خواهد بود؟ این موضوع خوبی برای بحث است. اگر پولس امروز این بخش را می‌نوشت، چگونه آن را چارچوب‌بندی می‌کرد؟ خب، تا جایی که به متن مربوط می‌شود، همین است. می‌خواهم کمی در مورد بازسازی تاریخی و فرهنگی به عنوان پس‌زمینه متن صحبت کنم.

به جای اینکه اول این بخش را به شما بدهم و بعد بگذارم متن را تحت الشعاع قرار دهد، می‌خواستم اول متن را مرور کنم و بعد این کار را انجام دهم. ما این کار را در بخش‌های ۱ تا ۴، ۵ و ۶ کمی متفاوت انجام دادیم، چون انجام آن در آنجا مناسب بود، چون خیلی قوی بود. اینجا، کمی کمتر است، اما هنوز هم یک ملاحظه جدی است.

این اساساً به بازسازی زمستان مربوط می‌شود، نه فقط زمستان، بلکه چیزهای دیگر هم همینطور. او در مورد آن نوشته است، آن را در مقالات و کتابش در مورد همسران رومی جدید برای ما راحت کرده است. او می‌گوید، نکته‌ی اول، زمانی که مردان حجاب می‌پوشیدند، تعجب

مقالات اوسترا، گیل و دیگران نشان می‌دهد که حجاب، عملی برای مردان و زنان در جامعه روم بوده است. وینتر در مورد چگونگی انعکاس این الگو توسط امپراتوران رومی که فعالیت‌های فرقه‌ای را رهبری می‌کردند، تأمل می‌کند و همچنین در مورد نخبگان اجتماعی در قرن‌تس که وظیفه فرقه‌ای خود را انجام می‌دادند، صادق بود. این مقامات رومی هنگام اجرای مراسم مذهبی و شاید رویدادهای مدنی یا حقوقی، پوشش سر خود را با توگا روی سرشان می‌کشیدند.

وینتر استدلال می‌کند که اگر افراد رده بالا این کار را در اجتماع مسیحیان انجام می‌دادند، مثلاً آنها جلوی نی می‌ایستادند و آن را بالا می‌کشیدند، یا هنگام نبوت، شاید افراد رده پایین‌تر نیز از این روش پیروی می‌کردند و بنابراین ممکن بود التقاط‌گرایی بت‌پرستانه و تضاد جایگاه اجتماعی ایجاد شود. این یک نی مشروع از آنچه ما، که کلمه‌ای است، در اعلام برای زن، gune در مورد قرن‌تس رومی می‌دانیم، است. ثانیاً، اصطلاح یونانی، یک کلمه وجود دارد، gune، و برای همسر، gune.

تنها راه برای فهمیدن تفاوت، توجه به زمینه است. این در مورد مرد و شوهر، یکی، مرد، یکی، شوهر صادق است. زمینه تفاوت را ایجاد می‌کند.

این کلمه می‌تواند به عنوان زن یا همسر ترجمه شود. این کلمه وابسته به متن است. متن آیه ۱۱ از اول قرن‌تس ایجاب می‌کند که به عنوان همسر ترجمه شود.

ذکر حجاب و تشبیه ریاست، چنین چیزی را ایجاب می‌کند. توصیه پلوتارک به عروس و داماد نشان می‌دهد که زن با ازدواج شروع به رعایت حجاب کرده است. بنابراین، این متن خطاب به شوهران و همسران در عبادت عمومی است، نه به طور کلی مردان و زنان.

برخی این دیدگاه را مطرح کرده‌اند که اینها کدهای خانگی بوده‌اند نه عبادت عمومی، و این دیدگاه، نگاه کاملاً متفاوتی به متن می‌اندازد. سناریوی همسران جدید رومی از زمستان. شواهد کافی وجود دارد که نشان می‌دهد زنان با جایگاه اجتماعی بالا که از استاندارد دوگانه جنسی برای مردان، صحنه ضیافتی که در مورد آن صحبت کردیم، مردانی که صاحب ملک بودند و زنان نه، و مردسالاری عمومی، خسته شده بودند، و همسران قانونی آنها تصمیم گرفتند الگوهای جدیدی از رفتار اجتماعی و جنسی ایجاد کنند.

در سالنامه‌های رومی، این موضوع سزارها را به شدت ترسانده است، زیرا این کار توسط زنان رومی صاحب‌منصب، در روم ضدفرهنگ محسوب می‌شد. بنابراین، پیگیری این موضوع بسیار جالب است. سخنرانی پلوتارک در اتاق خواب که به تازه عروس و دامادها داده می‌شود، از زن می‌خواهد که روابط جنسی، غیررسمی مرد را بپذیرد؛ قبلاً در مورد آن صحبت کردیم، در محیط‌های اجتماعی مانند ضیافت‌های رومی، سرانجام برای همسران غیرقابل تحمل شد و شورش رخ داد.

واقعیت زن جدید و رفتار او آشکارا سزار آگوستوس را بر آن داشت تا قوانین جدیدی با مجازات‌های شدید وضع کند تا دیدگاه مردسالارانه روم نسبت به ارزش‌های خانوادگی را نجات دهد. به نظر می‌رسد این قانون شکست خورده است. بینش جذابی از برخی از فرهنگ‌های درونی روم که در این دوره در جریان بود، وجود دارد.

می‌توانید این را در نشریه‌ای که آنجا به شما داده‌ام ببینید. اولین نکته در مورد ۱۴۶. در حالی که زنان متأهل در ملاء عام خود را می‌پوشاندند، احتمالاً در خلوت خانه‌های خود این کار را نمی‌کردند.

کلیسای قرن‌تس در خانه‌های خصوصی تشکیل جلسه می‌داد. آیا برخی هنگام ملاقات حجاب نداشتند؟ آیا این چیزی بود که اتفاق می‌افتاد؟ همانطور که پولس به وضوح در آیات ۱۱، ۵ و ۶ اشاره می‌کند، زن

بی‌حجاب یک توهین است. پولس نداشتن حجاب را با انگ اجتماعی زناکاران در معرض دید عموم و مجازات‌شده که به جایگاه یک فاحشه تقلیل یافته‌اند، برابر دانست. بسیار جدی

آیا آنها در کلیسای خانگی سهل‌انگاری می‌کردند، که در یک محیط عمومی چنین نمی‌کردند؟ شاید پولس سعی داشت زنان مسیحی را از زنان رومی جدید متمایز کند. آیا برخی از زنان مسیحی با زنان رومی جدید همراه می‌شدند؟ بنابراین، یک عرف اجتماعی معمول حفظ شد تا از گناه ناشی از معاشرت جلوگیری شود. شاید این یک امتیاز به فرهنگ رومی بود تا کلیسا مشکلات بیشتری نسبت به آنچه قبلاً داشت ایجاد نکند.

حجاب برای یک هدف مذهبی یا الگویی ابداع نشده بود. این یک مسئله در فرهنگ بود که می‌توانست اخلاق کلیسا را تضعیف کند. در 11: 7 و 10، پولس از یک فعل یونانی برجسته و قوی استفاده کرد که نشان دهنده تعهد اخلاقی است.

قبلاً کلمه «باید» را به شما گفتم. زن و شوهر باید جایگاه والای ازدواج را از طریق برخی از قراردادهای اجتماعی نشان می‌دادند. مردان نباید حجاب می‌داشتند، که این امر نشان‌دهنده‌ی تلفیق با مقامات رومی و آداب و رسوم فرقه‌ای بود.

برای زن، بارزترین نشانه ازدواج، پوشیدن حجاب بود. بنابراین، او موظف بود که اقتدار یا نشانه ازدواج را بر سر داشته باشد. پولس در اینجا نمی‌گفت که شوهر، به عنوان رئیس، بر همسرش اقتدار دارد.

استفاده می‌کرد، به این معنی که زن موظف است چیزی را روی exusiazo در غیر این صورت، او از فعل سر خود بپوشد که برای همه و همه به معنای متاهل بودن او باشد. بنابراین، این موضوع مربوط به تقاضای جنسیتی نیست. از این نظر بیشتر مربوط به یک ساختار اجتماعی است و همانطور که در متن خوانده‌ایم، بیشتر مربوط به یک ساختار الهی می‌بود.

اشاره پولس به طبیعت در آیه 11:14، طرز فکر زمان او را منعکس می‌کند. فیلسوفان زمان او به طبیعت به عنوان معلم فرهنگ متوسل می‌شدند. اینکه مردی موی بلند داشته باشد، نشان‌دهنده انکار مردانگی او بود و او را همجنس‌گرا می‌دانستند.

تمام فرهنگ‌های قرن اول میلادی دارای ابزارهایی بودند که از طریق آنها قطبیت جنسیت‌ها با قراردادهای مختلف تعریف می‌شد. بلندی مو یکی از این ویژگی‌ها در قرن‌س رومی بود که در آیات ۱۱، ۱۴ و ۱۵ به دقت به آن اشاره شده است. موی کوتاه مردان نیز قرارداد دیگری است.

چه چیزی در فرهنگ ما باقی مانده است که نماد ازدواج باشد؟ ما به اندازه گذشته قراردادهای ثابت نداریم داریم؟ و همچنین می‌خواهیم بگویم که از شر تصاویر قرون وسطایی عیسی که در آنها موهای بلندی دارد خلاص شوید. مردان رومی قرن اول موهای ژولیده و معمولاً ریش داشتند و آنچه به عنوان تصاویر عیسی می‌بینید چیزی بیش از بازسازی‌های قرون وسطایی لئوناردو داوینچی نیست. از شر آنها خلاص شوید.

آخرین گلوله روی ۱۴۶. گردهمایی‌های عمومی منظم کلیسای اولیه برای انجام اعمال عمومی و آیینی، الگویی متفاوت از اعمال مذهبی ادیان بت‌پرست بود. به جز روزهای خاص برای بزرگداشت روم، بسیاری از رومی‌ها در قرن اول به صورت خصوصی به دین می‌پرداختند.

اگر فیلم گلا دیاتور را به خاطر داشته باشید، آنها خدایان کوچک دستی داشتند که با خود حمل می‌کردند و آنها را در جیب خود نگه می‌داشتند و کارهایی از این قبیل انجام می‌دادند. مسیحیان برای همسایگان بت‌پرست خود موجودات عجیبی بودند. آنها به صورت عمومی، دسته جمعی و هفتگی ملاقات می‌کردند.

آنها دور هم جمع می‌شدند و با هم آواز می‌خواندند. آنها از اصطلاح سیاسی «اِکلسیا» برای گردهمایی خود، استفاده می‌کردند، که برای دین چیز عجیبی بود. آنها هیچ نماد نمادینی از خدای خود که حاضر بود نداشتند، هیچ بتی هم نداشتند.

به همین دلیل آنها را ملحد می‌نامیدند. می‌توانستم اضافه کنم که آنها اینجا خون عیسی را می‌خوردند و می‌نوشیدند. آنها آدمخوار بودند.

آنها به آدم‌خواری متهم شدند. کلیسای گرد هم آمده، همانطور که در اعمال رسولان ۱۱:۲۶ آمده است، ابتدا توسط رومیان مسیحی نامیده شد. یهودیان از چنین اصطلاحی استفاده نمی‌کردند.

همچنین یک پیشوند یا پسوند لاتین دارد، به این معنی که رومی‌ها از آن استفاده می‌کردند، که در اصطلاحات سیاسی استفاده می‌شد. این برجسب، برداشتی از بیگانگان در مورد مؤمنان به مسیح است. اینکه گروه‌ها در دوران باستان چگونه خود را درک می‌کنند و بیگانگان چگونه آنها را درک می‌کنند، مطالعه‌ای جذاب است.

ای. پی. ساندرز کتاب خوبی به نام «خودشناسی یهودی و مسیحی» دارد. من اکیداً توصیه می‌کنم آن را بخوانید. بسیار خوب، پس برخی از اتفاقات فرهنگی و تاریخی وجود دارد که وینتر، گیل، تیسلتون و بسیاری دیگر این چیزها را مطرح می‌کنند.

اما فقط کسانی که فرهنگ رومی را درک می‌کنند، فرهنگ رومی را مطالعه می‌کنند و منابع اولیه فرهنگ رومی و یونانی را می‌خوانند، می‌توانند این موضوع را در مطالعات عهد جدید به کار گیرند. بسیاری از اوقات، این موضوع نادیده گرفته می‌شود زیرا ما به عبارات نگاه می‌کنیم، به یک توصیف درونی نگاه می‌کنیم و اغلب، به ویژه در ادبیات رساله‌ای، معنای این چیزها را از دست می‌دهیم زیرا پیشینه‌ای نداریم. اکنون، اطلاعاتی در مورد تحقیقات بیشتر در مورد مسائل جنسیتی در اول قرن‌تینان فصل ۱۱.

سلسله مراتب سخنرانی نمی‌کنم. این‌ها کمی پیچیده است، اما نکاتی را برای کمک به شما ارائه داده‌ام. در صحنه آمریکا، دو سازمان وجود دارد، شورای مردانگی و زنانگی کتاب مقدس و مسیحیان طرفدار برابری کتاب مقدس.

من معتقدم که هنوز هم آن وبسایت‌ها هستند. مطمئنم که هستند، اما می‌توانید در گوگل جستجو کنید تا ببینید آیا به هر دلیلی آدرس خود را تغییر داده‌اند یا خیر. می‌توانید به آن وبسایت‌ها بروید و مطالب بیشتری پیدا کنید که شما را پوشش دهد. کتاب‌ها نوشته شده‌اند، مقالات نوشته شده‌اند و مجلاتی برای نظرات هر یک از این افراد منتشر شده است.

فقط به شما یادآوری می‌کنم که در استفاده از کلمه مکمل گرایانه دقت کنید. بسیاری از مردم دوست دارند از آن استفاده کنند، اما قبل از اینکه به آنها اجازه دهید از این اصطلاح به جای سلسله مراتب استفاده کنند، منظورشان را بفهمید. مسیحیان طرفدار برابری کتاب مقدس نیز همین نظر را دارند.

کلی کتاب و نوشته هست. قبل از اینکه کتاب مقدس به نگزاس، به کتابخانه‌ای در آنجا برود، بیش از جلد کتاب داشتم و نمی‌توانستم همه آنها را به فلوریدا بیاورم. فقط چند مورد را برای تدریس آنلاین ۵۰۰۰ بازسازی کردم.

من کلی کتاب در مورد بحث جنسیت داشتم. دیگه هیچکدومشون رو ندارم، و آگه هم داشتم، باز هم در این مورد سخنرانی نمی‌کردم، باشه؟ اما یه سری اطلاعات بهت دادم که بتونی خودت بری و بررسی کنی. پس برو سراغ منابع اصلی و افرادی که این دیدگاه رو دارن.

به سراغ منابع ثانویه نروید. سعی نکنید نوشته‌های کسی که برای مسیحیان طرفدار برابری کتاب مقدس می‌نویسد را در مورد شورای زنانگی کتاب مقدس بفهمید. سعی نکنید نوشته‌های کسی که برای شورای مردانگی و زنانگی کتاب مقدس می‌نویسد را در مورد مسیحیان طرفدار برابری کتاب مقدس بفهمید.

برو به دهان اسب. حالا، من دو چیز را هم برای راحتی شما ارائه داده‌ام. یکی از آنها نوع بیان اعتقادی مسیحیان برای مردانگی و زنانگی کتاب مقدس است.

خب، این یک سند طولانی است. از صفحه ۱۴۸ شروع می‌شود. فکر می‌کنم همینطور باشد.

بگذارید صفحه‌بندی‌ام را دوباره بررسی کنم. مجبور شدم چیزی را تغییر دهم. بله، صفحه ۱۴۸ باید در یادداشت‌های شما باشد، اما به آن بیانیه دنورز می‌گویید چون آنها در شمال شرقی در شهری به نام دنورز با هم ملاقات کردند و آن بیانیه در سال ۱۹۸۸ منتشر شد.

من در واقع در جلسه معارفه سالانه انجمن الهیات انجیلی در نیوانگلند بودم، زمانی که انجمن «مسیحیان برای مردانگی و زنانگی کتاب مقدس» تأسیس و راه‌اندازی شد. این یک جلسه اطلاع‌رسانی برای افرادی بود که «آن را تشکیل داده بودند. من در واقع از مسیحیان پرسیدم که آیا انجمن «مردانگی و زنانگی کتاب مقدس برای مطالعه متن و روشن کردن حقایق تشکیل شده است یا برای پیشبرد یک دستور کار

به سوال من پاسخ داده نشد. تاریخ به ما نشان داده است که اگر بخواهید می‌توانید بگویید هر دو پایان، و این درست است، اما یک دستور کار سنگین هم اینجا مطرح شده است. بسیار خب، این یک جمله‌ی خیلی طولانی است.

این متن از صفحه ۱۴۸ شروع می‌شود و تقریباً ۲۰ صفحه یا حدود ۱۹ صفحه تا انتها ادامه دارد و مفصل است، بنابراین می‌توانید شروع کنید. اجازه ندهید جزئیات بگویند که یک دیدگاه بهتر از دیدگاه دیگر است زیرا بیانیه مسیحیان طرفدار برابری کتاب مقدس نسبتاً مختصر است. آنها بیانیه‌های طولانی‌تری دارند که در جاهای دیگر هم قرار داده‌اند، اما من فقط آنچه را که در وب‌سایت به عنوان بیانیه ایمان آنها بود آورده‌ام. می‌توانید آن را بخوانید و اصل مطلب را از آنجا بفهمید، اما برای اینکه بتوانید دیدگاه‌های آنها را به طور کامل‌تری ارائه دهید، باید به ادبیات آنها مراجعه کنید.

در انتهای این یادداشت‌ها، فهرست منابع برگزیده‌ای را برایتان آورده‌ام. تأکید کرده‌ام که این فهرست بسیار گزینشی است. من مطالب بسیار بیشتری از آنچه اینجا آمده دارم، اما فایده‌ای ندارد که مردم را با فهرست منابع اذیت کنم.

این فقط یک مطلب بهتر و مهم‌تر است. من چند نکته را برجسته کرده‌ام تا به نوعی نشان دهم که باید با آنها شروع کنید. به عنوان مثال، جیمز بک و کریگ بلومبرگ کتابی در مورد دو دیدگاه در مورد زنان در خدمت نوشته‌اند.

این کتاب‌های مشاهده بسیار مفید هستند زیرا داده‌ها را برای مشاهده شما ارائه می‌دهند و شما می‌بینید که این افراد به یکدیگر پاسخ می‌دهند. وقتی افراد از آیات یکسان برای بیان چیزهای مختلف استفاده می‌کنند

این بسیار مفید است، بنابراین من اکیداً این نوع کتاب را توصیه می‌کنم. وین گرودم، که یک سلسله مراتب‌گرای قوی است، در اینجا پرداخت می‌کند.

فمینیسم انجیلی و حقیقت کتاب مقدس، تحلیلی از بیش از ۱۰۰ سوال مورد مناقشه. بنابراین، نظر وین گرودم را در مورد این مسائل در یک کتاب خواهید خواند. دیوید گیل، درست بالاتر از آن، اهمیت پرتله‌های رومی، که مربوط به آرایش مو است، برای پوشش سر در رساله اول قرن‌تینان.

مقاله خوبی است. من از کنار مطالب رد می‌شوم نه به این دلیل که خوب نیستند، بلکه فقط به این دلیل که چند نکته را برجسته کرده‌ام. ریچارد اوستر، این هم مقاله‌ای که به شما اشاره کردم با عنوان «وقتی مردان حجاب داشتند»، من عنوانش را دوست دارم.

خواندن این مطلب برای شما بسیار مهم است. رونالد پیرس، کشف برابری کتاب مقدس، مکملیت بدون سلسله مراتب. این یک کتاب ویرایش شده است؛ کلی مقاله در آن وجود دارد که باید به آنها نگاهی بیندازید.

همانطور که کتاب برجسته بعدی جان پایپر و وین گرودم نیز همین کار را می‌کند. جان پایپر همچنین یک سلسله مراتب‌گرا است، «بازیابی مردانگی و زنانگی کتاب مقدس، پاسخی به فمینیسم انجیلی». «این، انبوهی از مقالات، و هر دوی این کتاب‌ها ویرایش شده‌اند.

اینها کتاب‌های درجه یکی هستند که می‌توانید برای هر طرف به آنها مراجعه کنید. آنها ایده‌های خود را تبلیغ می‌کنند و دیدگاه‌های خود را ارائه می‌دهند. سینتیا تامپسون، یک کتاب مهم در مورد مدل مو یا یک مقاله مهم در مورد مدل مو وجود دارد.

بروس والتکه، مقاله‌ای در مورد کلاه‌های معمولی که امروزه کاربرد دارند وجود دارد. بروس وینتر، همسران رومی، بیوه‌های رومی، و کلی چیزهای دیگر. خوب، اول قرن‌تینان ۱۱ هست، تا جایی که می‌توانم خلاصه‌ای از این متن ارائه دهم تا شما را با این متن آشنا کنم.

سعی کردم یادداشت‌های کامل‌تری برایتان بگذارم تا به شما هم کمک کند. چه متن جذابی. چه چالشی.

فکر نکنید که می‌توانید به سادگی با این موضوع کنار بیایید. شما باید تکالیف خود را انجام دهید. باید مقداری ادبیات جمع‌آوری کنید، برای خودتان یک کتابخانه کوچک با آن بسازید و شروع به کار کنید تا بتوانید درک خود را از این متون توسعه دهید.

اما هر کاری که انجام می‌دهید، ابتدا ایده‌های کلیدی، بن‌مایه‌های کلیدی و خود متن را در جریان آن قرار دهید. سپس، تمام مقالات و کتاب‌های هرمنوتیکی ویژه را که شامل موارد بی‌شماری هستند، در دستور کار خود قرار دهید. پس بهترین آرزوها را برای شما در شروع این سفر دارم.

گاهی اوقات برایتان جالب و سرگرم‌کننده خواهد بود که چطور افراد باهوشی که می‌توانند کتاب مقدس را در تمام جنبه‌هایش بررسی کنند، می‌توانند دیدگاه‌های متفاوتی از یک کتاب مقدس داشته باشند و حتی با صدای بلند با یکدیگر در مورد آنها بحث کنند. خدا شما را در این مسیر حفظ کند. و من شما را برای نیمه دوم اول قرن‌تینان ۱۱ در سخنرانی بعدی‌مان خواهیم دید.

لطفاً یادداشت‌ها را بررسی کنید. آن دفترچه یادداشت شماره ۱۳ خواهد بود. و ما در آنجا در مورد آن موارد صحبت خواهیم کرد.

درود بر شما.

این سخنرانی دکتر گری میدورز در مورد کتاب اول قرن‌تین است. این سخنرانی شماره ۲۶، اول قرن‌تین ۱۱:
پاسخ پولس به سوالات مربوط به عبادت عمومی است. اول قرن‌تین ۱۱: ۲-۱۶، مرد و زن در عبادت، ۲-۳۴:
عمومی در حضور خدا، بخش ۲.